

دوست عزیزم آقای زوی

نامه همی سه بره تهران می برد، در میان ساعتی نرسند ان که همین حال که عمری از روزی دیرسانی را داشتیم. از انروز
از در اینست آنها هم سادی شوم در هم محبتی. باور کن هر لحظه از آن شب می شکر خوانی همان که گاهی نفسی از او
از نسبت دیر از می کرد و بار یک آفتاب به گوشه ای می رسید چنان در دین و در حال من نقش شده که گاه خود را در میان
محل احسن می کنم. می خواهم فراد بزم که اکثر مرا با بزم باستی با دوری دساز باشم. بگذریم... مادام
که تازه ام باید اسید دار و شطری و بر تلاش باشم.

پرسیده اید کار تازه چه کرده ام. کتابی در کتابخانه خوانده و می خواهم در آن میان دوستی که
سالکین خوانده بودم و این بار لذت فراوانی از آن بدم. شاید برای این است که این روز آخر شب گاهی و
دخانی بی ماد شکرش و حیانه رتی مجموع هرگز گفته است.

کار دگر شکر گفتنی است که "گر در وی ز درد و رنج ترا که بود اگر - پیوند جان من نشوی نظم جانان" ^{مجلس}
چون اخیر است نافرین شدم و اکنون آن بود که خدمت حضرت عزرائیل بوم، لذا کتاب روزه شکر می
تازه ام را (ایته به اصرار دوستانم) جمع کرده کردم که شاید در همین لندن با عنوان «ای ماد شکر چه نقش کرد»
نوشتم که ماه سپتامبر در برین بودم (رفوس می خوانم که علین را که در بعضی دان واقعه است و با هم آشنایم ندیدم)
به بر حال پیر دگر بزم بزم که آنجا آمده بود در جمع کوهی میزد آسودم کرد مهر داد - پیر بعضی دانم که در
اینجا با هم زندگی می کنم خرج چاپ آنرا (مجموعه شکر ام را) داده و خوب باید، هر چه است همین است
آنها را نشر خواهم کرد. معلوم نیست فرزند کجا و در چه حالی است. و آیا در این دنیا آسوده می بیند
بطور قطع می دانم که خواهد شد!

دلم برای هم شکر و برای ایران شکر شده و جنبه نسبت اینجا این است که می توانم تلفنی و با نامه با
خوب و ندانی و در میان و محققان هر طعم تمام دانم در همه با هم و غالباً آنها را در این جا بینم. ضمناً
باید بگویم که در بر و ط نامهای ایرانیان بیرون مرزی، کلاً "زنج نسن" شده ام و نمی خواهم داخل معرکه ای
شوم و شاید از این جهت است که در هیچ رسانه ای نمی نویسم. چاپ تمام است.
اما از استیژ ندیده اید دیگر شو نمی گوئید، این نیتیه را از قلم که شکر می گوئید، ولی به سبب آنچه
در بالا نوشتیم شکر احسن می کنید که "گذرگاه عافیت شکر است" چه در وطن و چه دور از آن
لذا شکر می گوئید و چاپ می کنید. برای من بفرستید. طوری نمی شود. پرسیده اید آیا بر کجا کردم؟ تقسیم دارم برگردم
چون نمی توانم از بزم که اینجا تنها است دور باشم. لطفاً سلام گرم را به خانم برسانید و بفرمایید مرا ببینید
تا آخر دسایر اینجا خواهم بود اگر توانستید برام نامه بفرستید. اما بگوئید "بدرود" من از بد بودم حاتم است.